

کوششهای ناشستهگان

پایان سال دوم

با انتشار این شماره سال دوم مطبوعاتی روزنامه
کوهستان پایان میرسد .

برای کسانی که به مشکلات نامه نگاری واقف نیستند و فقط مانند دانه بر روی رودای مینی روزنامه ای بدست آن در برسد و مطالبه کنند اشعار و مسائل متوالی که روزنامه آنگار چندان مشکلی بنظر نیرسد . ولی اگر چند روز وارد جریان امر باشند متوجه خواهند گشت که ظاهر همگام که ممکن است تصور کنند این کار آسان نیست .

روزنامه کوهستان که وابسته به جامعه آزاد است مشکلات دیگری هم دارد که یکم هر روز است موصی ملکت آن مشکلات را ندارد و آن توکل است .

و محسر خوانندگان آن است . خوانندگان روزنامه کوهستان چون این روزنامه و از آن خود میدارند و هر یک میخوانند که فکر خودخواهانه

آن ممکن کنند این نوشته ما اغلب چینه خمسوسی دارد که بنظر اولان با بیانکاری موصی اگر که مطالبت میکنند از این یکی آنچه از مشکلات ما رعایت

نسیان است نویسنده گان ما آنچه و مطالب دادند با بیانکاری موصی که اغلب خاطر و بیگانه گشتن خوب نیست . در چنین مواردی اگر نوشته چاپ شود نویسنده آن را بر کسی اول انگار موصی برعهده دارد

و اگر بر کسی وارد کرده نویسنده مکتوب دید و پیش خود تصوران میجویند هر خواهد کرد و مارا مخالف نظر خود خواهد نوشت .

شده اند مانند که از دوستان و با نزدیکان خود تبریک ما بکنند . مانند که تبریک لیبتم این مردم کم مردم که آنرا قبول دیده باشند و چینه خمسوسی فرستاده باشد و باید با لیسکی دستهای

میخوانند مردم را بیاد نفس گیرند البته اینهم از رویه یک روزنامه متین خواهد است بنابراین نویسنده گان این نوع مطالبات از ما نینماید خطر میکنند

دسته ای مانند به ساعت و معاشنا و دستکش پیرزادان دست دیگر حمایت سرمایه داران را و وجهه جت خودخواه میبینند در این موارد ما رعایت اصول بشریت را کرده و آنچه که از ملاحظه موصی دور داشته باشد چاپ نمیشود بنابراین گفتم که احسانان دست مخالف برانگیزه نکرد

شده ای که خود را در جامعه مستاصل مینی بیفته هر حال روزهای گالی خودخواه برای مشکلی نبودن در روزنامه میفرستد و انشأاً این دسته چون درودن زیاد دارند نامعنا باشد چنده مینماید و در این معنی مطالبات چون چینه خمسوسی ندارد فقط باید بطور لوف اولان داد

ده تپان خود را با هم گند میگردند که هر چه را نوشته اند چاپ نگردیدند است .

چیزی هم که اخیراً پیشتر متداول شده نگارکار حالی است که دستهای در مطبوعه دست دیگر معایبه میکنند ما این نگارکارها را بابت تندی مخالفت و نفاق میگردند و مضحکاً اگر دارای

نیر سراج از نوک است یاقه چپای لیس سراج اینهم با مزاج بدلتکی اسماء کتفگان میشود .

از این مشکلات راجع به درج مطالبات و نامه های وارده ، پیش از این چندین بار چیزی ذکر کنیند زیرا لوف آماده داشته دار استریان آن هم صفا را بر میکتند و هم وقت میگردند . ولی در ضمن لازم

است بگویند که ما بیوست رعایت انگار موصی را در وقتنا کتیریم و نظریات موصی مردم را در نظرهای خمسوسی ترجیح میدهند اما با لیسکی سراج موصی حتی لوف در جنبه نظری او حفظ نموده

پیش از کسی با موصی حساب داری کتیریم بلکه جانب داری ما فاضل حقیقت بوده است . بهیچ وجه است آنجا یکم برخلاف

حقیقت فکر میکنند و با بیان حقایق را مصلحت نموده خود نمیدانند از این رویه شخوشت نویسنده را بداند آنجا که بتواند بر علیه ما مینماید و در اولان داد ما هم کتیرای میمانند .

آنها لیکه بر علیه ما مشغول فعالیت هستند اقداماتشان ناچو آنرا ندانند از یعنی مانند ذردان مخفیانه کار میکنند و از

بیم احساسات عمومی جرات ندارند که آشکارا دست بکار شده ایراداتی را که به ما دارند نصیباً گفته در پیگاه افکار عمومی

اگرچه بداند . آنها کارلا از لحاظ خودشان حق دارند مطالبه بگویند و با نویسنده زیرا اگر آنجا را میگویند با مینویسند روزی آشکار شود سوه بد و بیخانه نداشت روشن خواهد شد و البته این در ملاحظه آنها نیست .

اما خودشان مشکل دیگری که در اداره یکم نشود لوف آماده است دارد نسبت مالی آن است . سال گذشته که بنایست با بیان اولان مقاله ای نوشته شد در آن وضع مالی روزنامه برای ام خزانگان شرح گردید ولی در این

در اطراف خیر تهران مصور

((برقراری يك فرماندهی عالی در سر اسر گر خاستان ایران - ترکیه و عراق))

بر سر هیچ رضایت نداشته و در هر موقع سن داشته اند خود را از زیر بار تلاطمات آرهالی بگفته و با این منظور نامها کرده و مردان نامی ندا نموده و تا امروز که خود ارجاعات داشته با وجود کلیه محسوسات ها و مساعدت ها دست از مبارزه نبراشته کتید .

در همان کم جنب و جوش احزاب و دستجات روشنفکران کرد سیاست شروع شده و وجهه روحیه عالی دولت هرمان تا بحال نوانسته است این آفت

حس ملی را از آن دور ساخته و با دستیاری فراهم کند که روشنفکران کرد حلقه را تسلیم و رضا فرود آورند . تا بر این اید و خودخواه

در مقابل اقلیت لیبومی می بینند و در حال نشسته فکر غیر از طریق فشار و زور حاضر نیستند حتی بیکاره سیاست برده و تلاطمات پیش گیرند و برای اقلیت حتی نال خودی که برخاسته و سدگانی را حتی در داخل این دو کشور داشته

دولت ترکیه سیکو در خشاک ترکیه جز ترک و وجود ندارد و هرانی عام در پارلمان خود می گویند مسئله کردی در هران وجود ندارد در حالی که نبره های خونین در گوشه آن آن کشور در جریان است .

این دو کشور راجع به موضوع کردستان مسئله کرد مرچه فکر کنند که هر پیشبندی که بنیانه و هر راهی که انتصاب کنند برای این است که نام کرد از میان ببردند خود را برای همیشه بدون دغدغه خاطر بر نواسی خود بخوردن نشین تحت اختیار خود مکتب رانی کنند .

پس در ضمن ۸ مستخبر خود در پیگاه دیگر شمشاد اصالی یعنی سه شماره دیگر بدون هیچ ملاحظه ای نام کلیه اشخاصی که بدهی دارند با بلیغ بدهی

آنان در روزنامه چاپ خواهند شد این ما روزنامه به کسی تمیل نگردد ایم . مستشرقین ما با سیاستی تکاملی اشتراک کرده اند و با باز خرق احساس

مهرنی شده اند بنابراین دلیل برای عدم دریافت وجه اشتراک این نیست . این بود بطور اختصار خلاصه ای از وضع روزنامه که لازم بود در ملتفانند

با روزنامه کوهستان از مستشرقین یاد کردیم .

انباری در شماره ۲۶ این روزنامه تهران مصور چاپ شده بود که دولت عراق پیشبند برقراری یک فرماندهی عالی در سر اسر خاستان ایران نموده و دولت ترکیه ظاهراً طبق آنچه از خبر ما بر میاید این پیشنهاد را پذیرفته ولی دولت ایران هنوز اظهاری در این باره نگردیده است .

صحت این خبر در وهله اول دور از ذهن بنظر می رسد ولی از گوشه و کنار اطلاعاتی می رسد که گویا از اخباری هست ولی معلوم نیست که بگفته بودن

یافتد یا بطور دیگر . بهر حال چون موضوع موصی است لازم است قدری آرا خلاصی کردیم جنبه های لغ و زشت آنرا مورد توجه قرار داد .

ما خلاصه ای به کلی پیش تا نبرای چهارم جنبه های خبری خودداری میکنند زیرا به جهت طولانی است و جنبه ها و رونق آماده برنج خواهد ساخت .

در این نقطه میسک لعل آن از نظر ما دولت ایران - ترکیه و عراق که مسطبا در این جنبه ذبیح هستند خواجیم پرداخت .

مسئله خود نمیدانند از این رویه شخوشت نویسنده را بداند آنجا که بتواند بر علیه ما مینماید و در اولان داد ما هم کتیرای میمانند .

مقاله ، چون هنوز سال مالی پایان یافته چنان آن ذکر نکردیم فقط با موضوع یاد آوری میشود که روزنامه کوهستان از درآمد و غیره اشتراک - فروش روزنامه و آگهی اداره میشود تمهید خوانند .

آن طرفی است که اگر هر یک بدهی خود را بپردازند روزنامه خوب اداره شد و حتی نتوانیم ترسهای موصی به آن بدیم ولی متأسفانه با نام علاقه ای که خوانندگان خود ما برای این معیارند اکثر پرداخت وجه از اشترک میبرمانند . بطوریکه تا امروز که

پایه ما مینویسند از اسالیب روزنامه گذشته فقط به جهت از مکتوب ما و ما اشتراک خود را ارسال داشته اند و نداشت دیگر هنوز بدهی دارد از این جهت تا لازم شرح بفرمادیم خبره

و چند هزار تومان تا بحال بر سر وارد آمده است . راجع به ارسال وجه اشتراک تا بحال چندین بار ندر کرده و در عرض این هفته بنظر مکتوبی که بدهی اشتراک آفرین یاد آوری در ضمن نامه ای جداگانه خواهد شد و برای اینست که خود خوانندگان از وضع مالی روزنامه

آیا یونان محیط خوبی برای آغاز جنگ جهانی دیگری خواهد بود

آستان مان و ملایم ، صحرای سبز خرم ، مایه استوار و پرشکوہ دست بدست هم داده ، یونان جزیره قریبیه را ساخته است . یونان کوچکترین کشور اروپا است و سطح آن بیش از ۵۷۱۱ کیلومتر مربع نیست . آن زن زیبای مدینه العنکابه که از باریس عروس شهرهای جهان کوچکتر استوار .

یونان پر از افکار عالی و خیالات غامزه است ؟ «بیترو» رب التوحه مثل ارژن پندش ایامیان پرسته گرانگفت شاره دهنده ، رومستران بی شمار «مارس» رب التوحه جنگ و «نوس» خدای زیبایان از همه بیشتر است «و دیوش» رب ارباب بنو در او رنگه خدایه خرد و گیکه دارد ورمه غم اوسلی میم بر شکر و بر افراشته او هنوز با پرچا و استوار است .

تاریخ یونان هماغه زیرزمین و فراز و نشیبهای گفرتی است یونان سرخوش خیه بگشور باید به ما دارد تاریخ یونان ، اصناف پهلوانی با تفرحات اسکندر و دیگر سرداران بنام خود را باقیمت اصحاب پهلوانی ، جنگهای یونان و ایران ، نوحات ناشکیه - جنگ بین المللی اول - جنگهای مرموزی است و میدان و برادر و آمدن یونان جنگ آزادی ، ظهور ژوزف ، جنگهای داخلی در کشور هم باقیمت نه نوده است .

تاریخ یونان معمونی استوارهای ها ، نوحات ، تلفی ها ، گفتک های یشاره که ما از همه آینه آندور که سزواران این ملت تاریخ است این مسا را شرح می خواهیم نوده .

هفته پیش

دزیران ما چه گذشت

همه مهادیم که تعابات ایدست مدتی است فرغ شده و همه مهادیم که در این بدت منم مایگی ازمراعل هفتن تاریخ خود را می بینیم . وضع کنونی ایران بسیار مبیم و پیچیده است و مجیبی نیست اگر بگوئیم وضع سیاسی امروزه ، مایگی بسیار لاطظ از وضع سیاسی یونان است ، چه بفریح تر و تاروتر می باشد . مردم ناظر تحولات اجناسی و سیاسی هستند که در گوشه و کنار کشور اطلاق می ائند .

در کشور ما سونه های منتقلی را سیاست ها و روایات های کینه دودار انگیز هول بزرگ در کنار هم جادند . چگونگی مقاصد این صریف هاهو بزرگ و طرز تفکر و اندیشه و چگونگی روش مائیتا حامل مژدرست بین کننده مفدرات ما ایدم کلوس بسیار مؤثر در بین سرخوش است و گاه روم ما فرود می رود . این نکته را بخاطر بیچاره بودگی موقبلت امروزه و درادی مارا اقبستی که در اجتماعاتی بی نیرو های متضاد سیاسی وجود دارد ، بدینستیه خودمعدت مقمل از این مدل پهلوانی بد .

تفسیر گفوت سیاسی

و نیا و ایران در بنده گدسته

مجلس باور دهم کی و چطور

افتتاح خواهد شد با انچه تعابات ایران هم منتظر و گوش زدگنه که مجلس باور دهم انتاح خود ولی بزور هم ائند به تار کی مشکل و نابل است . و آینه گراء ، هماغه نظرمای خواهد بود . برای تدبیر و تبیین موعده افتتاح مجلس باور دهم نظریات کونسا کون و چوه دارد و این نظریات مبتنی بر یکسطله اصولی است که در مقابل افکار صییب و شگرتی قرار گرفته اند .

والا سحر تر از این چه پهلوی دروغه پیش از راه گیلان شامار و سناشر و آتانی محمد ناصر خاقلانی و نساشر و شفاقی وارد تهران شد . آتانی محمد السلطنه لاطمی استوار فارس در سبت ایشان بوده و آتانی تقفالی نا آتانی هفت وزیر ملاقاتهای خواسته نمود و طایفه باره اوضاع فارس روضه نگاهواری لاطمی و اختلاقی که میان دولت و ایلات مسلح جنوب وجود دارد گامهای مثبتی برداشته می فود .

این مسافرت کرجه چه نظر پیشی توأم با حق مایگی است اولی و نظر و پیش چشم دستای دیگر بیشتر مرموز با تعابات فارس است که تار کون جن در دهمی در نقطه دیگر شروع نشد است مرموز شلمی اسلمه سناشر فارس میباده .

دنیای هفته

نمایش کوتاهی

از تحولات سیاسی جهان

تزم سلطنت در اسپانیا ؟

استوار ساختن اسپانیا « فالانگ » یا « مدهیکان » تا چه نتجت اسپانیا « پاشا و استوار و منطقی پیکسال پیش ما در پیرامون نشیه اسپانیا که شماره ۱۶ روزنامه گوهستان بومژده آسمه آئینده . « مصالخر افرای فالانگ و حکومت اسپانیا در این اواخر پیش می کرد . اند که فرانکو بهر سو رفتی کوه آرد حکومت دمکراسی نفوقلی داده با ماسک تدبیل بر چه خود و حکومت خود بنده نابل داره و به نوازمایه و نوازه و خوروی و این آزادی و شهیداست برادر از سر این « پیشوای ملودیدی » لیست .

« بهین مناسبت این روز ها ننه های جاده و ننه سناشرهای سیاسی در رادیه روز نواحه پیش می کرد . مصلحتا کینه کار و زبره میخوانند اشخاصی نظیر دون زوان و یا یک موهرا که رادد برابر فرانکو علم کرده و دست اسپانیا صلح سازند . آنچه مسلم است اینست که ملت اسپانیا اینقدر خوش باور و کج ملیت

صورت لغوه فیصل خواننده با نتمت بیوه قرب است درلر ان ارض اسرائیل میفاده - اولو کالوت « منتر استومی غوامه با « مطبوعات » اردنی و غوامه ایمن و هیجان فلسطین را تجدید بنا نوده شد « هم میباید بیوه و هشار و آماده و خردمند گرداند . عربها میگویند در سراسر ایران باید معصه بود و در پیش دشمن که برای باطل فریاد میزند باید مراده نیام کرد و اورا با شربت ششیر سرد کرد و دولت بر بنایا که صیبط اجناسی و سیاسی فلسطین را خوب می شناسد و غوامه استوار فوذ جهانی خود را به بهترین وجهی میداده و سراسر لاطمی را از سزوزن بدامن اشتلاقی ، امروز نشیه را به سناشر رجوع کرده این مشکل دوهزار ساله را منصفانه حل کرده و ترمذیست که از این راه و پرچم و شک و زینخانه بیرون آسمه و بدل راضی خواهد بود .

پایداری در برابر نیروهای دشمن

بازره عظیمه بنامی ها با وجود آئیمه تلاش که برای حل آن میشود همچنان ادامه دارد . ایمن و هیجان نشین صحرک در ایران و سزوزنهای است نشین مبارزه و دولتی گدسته فرانسه و شگرتی ازمرد و سزوزن فرانسه پیش آتانی همدرد سمرات فرانسه میخوانند آزاد شوند و برای رسیدن با آزادی و استقلال جانشانی می کنند . حکومت سوسیالیستی سزوزن فرانسه نیز برای اینکه امپراطوری فرانسه تجزیه نشود خونها میریزه تا خود را توانا جلوه دهد . سرانجام چه خواهد بود آئینه پاسخ خواهد گفت .

آیا واقعا هندوستان مستقل و آزاد خواهد شد

منای استقلال هند زیر نظیر سطله شگرف فلسطین پخت جانسوز و ترس آردی است . انگلیس از سز کراهیهای برای این قلب و سر امپراطوری لاطل بوده و مایه پی نیب است اگر برای سزاده لوش تصور کند انگلستان برای همیشه دست از هندوستان می فوید . امپراطوری بریتانیا امروز در مقابل جهان آزاد گریز و بر گریز ندارد و اینکه بک استقلال یروالی به منتهی پای میباید پوسته و ترمذی روان عطا کند و تاریخ در این دوره نقذات خود را خواهد کرد .

پهرسال اکنون دولت انگلستان تصمیم گرفته است و وضع با تکلیفی گوهستان خانه دهم و زمانه و روزی که تا نازولی ۱۹۱۸ به منتهی و انگاد کرد . اردیورل که میگویند طرفدار سلسله است و معمول و رفدولی مویان با آخرین نابل السلطه و هندوستان اجرام میگردد - جرجیل پسر دود که کار بدست سیاسی خود ستر ائلی دهد : « تراش کرد و کلاه گایته با استقلال امپراطوری انگلیس که میگویند تا ماه امیر امپراطوری با شکره مارا بپوراند ای لیل خواهی نمود . تا ائلی کتله های جرجیل از موزیت پادشاه سیاسی جیاه است . ۷ شیه در صفا ۷

تاریخ و ریشه تراژدی

(۹)

شاهنامه می نویسد چشمه منبرور
 هده ادمای خدای بیکر از این رود
 هدهاوند شهاک را پروراست کرده بنام
 و تخت را از او گرفت

تاریخ قدسی جنگی منقذ ائوئوله
 که ضحاک ایرانی بوده ولی برجسته
 نایب است. ایران را سفر و تخت
 فرماریانی خود بر آورده است. هر
 ضحاک را هم هراسان پان می کند. که
 اینهم مثل هر چند باسیست منقذ شهاک
 مرغیانی با ایران دانست که بطور دقیق
 منقذ منقذ نیباشد

هر چند هفتس که در ۱۱۷۱ قبل از
 میلاد بر پایش حمله آورده استجا را
 متصرف شد بافاده ایلام و کوشیر
 بود. پس به خود شکرناحواخته بود
 لیکن آگاسی که بی از جلوس بیاید
 در آن خاک کوسوما را نامتاسی تصرف
 کرد و حکومت کوسوراه متصرف
 ساخت و در ۱۰۵۹ قبل از میلاد سلطنت
 آسورا را هم بیایان رسانید برادر
 گوهر نواسه یعنی شهاک ایشو هفتاک
 بود که پادشاه هوش - کوس و آسور
 شد.

پس از ایلام ها آسوری ها هم
 با ایران حمله نمودند تا بر این کمرانی
 غارتگریان مطالب با هسد ضحاک می
 کردند.

با بد گت شهاک ایشو هفتاک در
 آرزو داد بطور اختصار شهاک
 خواجه و شاه را منقلاش هباک را
 ضحاک کرده و ضحاک شهاک
 سرودند.

پس در زین امروزه کردی
 یعنی اوزدهم و دزدیاک یعنی یک اوزدها
 شهاک و با هفتاد پان بیست هباک
 و زباک و شهاک و یعنی هر هباک
 اوزدها

چنین مستفاد می گردد که این
 با هفاوم اوزادانی در عهد شهاک
 بود. مکتب یعنی به ایرانی ظلم و
 تعدی فراوان و در داغده که با هشتاد
 هباک با زباک و ایشو دزدیاک فولک
 یعنی هر هباک بیست اوزدها نام بود
 آمده است.

امروز اگر کردما بخواهند پاک
 گویش موزی و ظالم را توصیف کنند
 می گویند «دوروف دزدیاک» یعنی آدم
 بیست یک اوزدهاست.

بسیاری است که از این بیان گمنامی
 هده ایشو هفتاک در عهد ضحاک شاه ایران
 بود کوس می بود که هر ارا که شاه
 نام از او توحید و نشان می دهد تا
 چو به یگانگی زبان هم باید از اساطیر کوسی
 جدا داشت.

شاهنامه می نویسد که کاره آهنگر
 قباد کرد و ضحاک را کشت فرمود پس تخت
 سلطنت نشست.

سکیم هر خیام و نوروز نامه
 خود می نویسد فرعون کرد روزی که
 ضحاک را اسپر کرد و ایران را از افر او
 حیوان داد جشن گرفت.

مورود و تقریبا فرص و چهل سال
 قبل بنگویه ۳۱۶ مات مردمانند

بیاد گایوانت ایرانیان از ظلم ضحاک
 جشن گرفتند.

این جشن را «پان جشن کردی» می
 خوانند. این نام دلیل است که منقذ
 ایران در هسد منقذ و ضحاک اجساد
 کرده ها بود که بعدها کرد نامیده
 شده اند. در ماری ها هم پدران
 خود را کرده می دانسته و آن جشن را
 از اجساد خود اثر برده و جشن کردی
 نامیده اند.

نویسنده کتاب «گردستان» آقای علی
 اصغر شیرو در کتاب خود می نویسد در بیان
 اگراد شالی ایرانی که پیش نام جشن کردی
 موسوم است که با مراسم مخصوص یاد
 رنج مکتب شهاک و گرفتاری او بدست
 فرعون بر پا میشود که هاید نرته
 برای مکتب فرعونان شاهنامه باشد.

گردستان ترکیه پایه کرمناج
 این جشن را میگیرند و جشن تول دان
 میخوانند تولدان منقذ نول هلدان است
 که در زبان کردی یعنی آنگار گرفتن
 است میژان کردی سروروی که اتفاق خود
 را از غاصبین نواج و تخت منقذ خوش
 گرفته یعنی حاکم میگذاهند و آنرا بدست
 فرعون کرده گرفتار شده است جشنی بر
 پا و نام آن جشن اثر هلدان یعنی
 یعنی آنگار می یادند.

این مراسم را ارمنی ها هم بسا
 کرده اند. توما جاک میبندند و آنگار
 کرمنا را در زده میگویند چون منقذات
 منقذی ارمنی ها مکتب برای ادای این
 مراسم میبندند و مردم و آواز میخوانند
 مکتب هودن یا کتبه هر هباک میبندند
 نام آنرا اوزدها و دزدیاک تراچ نامیده
 اند که یعنی پیروز خدا میبندند کوسیا
 منقذ یعنی روزی که داخل بیت المقدس
 هده باشند یا با نشان شترانند و آنرا
 برای این عهد سال جشن یاد آورند
 میگیرند در موریتکه حضرت عیسی در
 موسم بهار و هنگام هبزه بیت المقدس
 اوردند این مراسم در مسلمانان و اوایل
 شب آفرینش این جشن تول دان و
 کردی بر پایی و جالک که با مدتی درین
 خود بیشتر بستگی دارد. همین بزرگ ناگفته

این آتش بازی روز چهاردهم
 کاور میسرود. تا ۲۱ روز جلوتر
 میشود جشن تولدان کردی که در مکتب
 اسند کرده میشد با از جشن نوروز
 حاله ۲۱ روز جلوتر بود است.

نایله کردی که بر اراک سلطنت
 نزدیکتر و نامشناخ با دزاد بود درین
 عهد که کعبا بنقیض هم بی نوروز
 جشن نوروزی فرعون را ۲۱ روز پیش
 از نوروز می دانسته اند. در قبائل
 اطلاق جشن اول سال به فرعونین پس
 تولدان را هم به اسمان اطلاق کرده اند
 ۲۱ روز قبل از ایمن تولدان بود چون
 تولد ایلهو جشن جشن مهرگان را میخوانند
 غلبه فرعون بر ضحاک نشان میبندند
 میخوان کت دزمت تأثیر مرور زمان
 و اطلاق داد دورتاریخ استرانی آن
 مراسم ملی تلبیاری روی داده آنرا پنج
 در حدود شهر بود و همسر نام سبب
 ایرانیان کرده است.

مراسم سه گوازی عمومی در کوهستان بمناسبت درگذشت مرحوم میروور حاج شیخ عبدالله طالب زاده

فر مرحوم میروور حاج شیخ عبدالله
 شهبازی طالب زاده در کوهستان موجب
 تازار نوزادانده موسی گردید. مراسم
 عزاداری و مجالس ترحیم منقذی از طرف
 طبقات مختلفه بر پا شد و جووه اهالی
 در این مراسم شرکت داشتند مجالس
 ترحیم منقذ بشرح ذیل بوده است

- ۱- از طرف رهنمایان و مسجددار الاحسان در این مجلس که پیش از چندین هوار نغزاد جووه منقذات مختلفه حرکت داشتند بیاناتی از طرف آقای ایلهو شهبازی که از طرف فرنگیان لایه ای گردیده که بین ۱۸ درمین شباره ملائمت خواهد نمود
- ۲- در مسجد جهر سا خانم
- ۳- از طرف حاجت خاخوان
- ۴- از طرف آقای منقذی
- ۵- از طرف آقای شکرالله بابان
- ۶- از طرف درویش اوز طرف اصاح
- ۷- از طرف فلاح و غلبه اوله
- ۸- در مسجد داروچه
- ۹- در مسجد زبانه
- ۱۰- در مسجد کلبیان اوز طرف حاجات

کلیه این
 ۱۱- در غلبه کری اوز طرف حاجات مسیحیان
 ۱۲- در سایر مساجد منقذ

دو دفتر
 از طرف آقایان سهربر استارکار
 حشمت گلینک و ساجد علی مدینه
 آدی کردستان در مسجد جامع منقذ
 مجلس ترحیم و تلاوت قرآن پا شده
 بیانات موسوی از طرف آقای منقذ
 الاسلام ایراد گردید

بیانات آقای لیلی
 حشمت مسترم اجازه میفرمودم از
 طرف مردم فرنگیان کردستان از این
 منقذ منقذی و همدها در آگی که بازم
 ادب و حران و ادب آینه باشا از این
 عهدی میبود. مردم استرانی فرنگیان
 نه تنها دلایلی اعلی مسترم این هرستان
 خوین و جرمی در دزدیاک میبندند
 کتیب که عهدی هلدان کتیب نورویقت از

است تاریخ از آن جشن نوروز قدیم
 این بحر حقیق فرته کشند و گفتند
 میبود همه مردم این کیفیت
 بزرگترین هیئت از اختلافات خودی
 و شترکی گمانی زبانی بود و در
 میان جامعه با مشور و رفتار ملوکوتی و در
 زیر سایه ملوکوتی انگار یکپارده شدند
 بود و نسبت به زندگی مردم استرانی
 نال امر مشرف خود را ۲۱ قبل فانی و
 عیادت خالق و خدمت مکتب تمام کرده
 و روز و روز بقامات منقذی خود تمام کرد
 و براهه و هدایت نفوس بی سراری
 برداشته و درس حق برستی و پیروزی
 هر هسد مقدمه اسلام را با همایوش
 از کون برسات که روش و رفتار آسمانی
 از امر منقذ زندگانی خود مراد کرده
 و از خداوند متعال سلامت کتیب که با از
 مانه جان آن خادمان منقذ را مستقیم
 به پیروی از شالی بلند و صفات عالی
 آن عارف بزرگوار بیانی و موق و پایه از براهه

یک توافق بی نظیر در گروس

تذکره تکررما در نامه کوہستان تصدیق اہالی محترم نیکار بزرگترین خدمت را توفیق و تائید نمایان آسان نمود ما و آقای شیخ الملک اورنگ

افغان و دوستی و وحدت و یکسان
دلی سلاسی می باشد که در عالمین
و ادنی ترین مظاهر زندگی نرسود
ایضاح درباری تائید و رسم و رسم
و فریب است. افغان و بیم پشکنی
بکن از کارکن حساس و پایه های نویسی
برای استمرار من حکایت و قدرت عمل
و جهات است که مویز و ابراز این
تائیل و تاج و تیرات آن بهتر از
پارازین آن در افغان و وحدت
حالت باشد ظهور رسامه و نسل
تاریخ مقل سرگشته به راهی مهر
و الفت از درخشترین کلمات تالی
و یکت خود زبده است. ایشای
و ایضاح هیچ در ادبی بهتر و مفید
و جامع برای اجتهاد پیدا
نگردانند و بیگانگان نام الحیات
گرمی سکن از او مویز و الت واجب
التی در امر افغان و ایشای
بر سر امر و سر امره که در حق مویز
کنند افغان و وحدت فرد بروم بهتر
و عالی تر نباشد و تاج و جود این
شفا و معانی آن بی می برود کمالتر
از هر وقت در رفته مقلت و مایه
سخت و اجماع آن زانوی پشکنی به
زمن سی کویم

بشهادت خاور و جود و شواته گان
بی عرض کوہستان نویسنده این مضمون
از وقت زمانی سپید گونا بردمان
در ضمن از صحافت کوہستان که در
با شرف و وطن پرست آن دو دست
پارازین کوشش ناپهاده این سرود
سامان و برادران عزیز و دانشمندان
که در سر سودای ایشای تائیل مشروع
خود خود دارند بوجت و افغان دوست
شده و منصوباً در تمام بار و جهات
با نام گمانی که بدون ملت با نظر
غوب بداندند با کمال ادب و نزاکت
عرض محبت کردیم و کوشش خود
که توفیق و تائید ایشای آن بود
چون در عرضمان برای کروس و کروس
چیزی بار نمودند آرزوی مع الوضو
و رئیس مقل همانند از تمام نسل
و نامتوا لیل این آن دست از آن
تای مشروع خود بر داشته و من مردان
خبر و جیبی که سفر گناه شان
مکن فرما و ناله و اردین است و خودی
بزرگوار و در آن مایه ایضاح کروس
است با عیله و در یک سفر و سر
با برعت پشکنی و ایشای گمانی که
واجب صلاحیت و اوج اجتهاد نبوده
و البته از لحاظ متصرفه و مویز افغان
بودند و اینطور و بود کرده که
آبایان محترم هم در کروس فراموش
آبایان بودند صورتیکه اجتهاد
با نظیقات برای درک مطلب نمود که
ایشان مردان با عرف و برادران نجیب
این نظ و لفظ افغان شده بودند
غرض ما اهلقت

محصول توتون

یازر رگترین پایه اقتصادی کرستان

در کرستان بیست و نه ایشای
اجتهاد پشکنی و توتون مویز تائید
ناپه آورده اند. افکار عمومی کروس
ها برای انتخاب و نقل عمل احترام
و الیه بگذارند.

ما به اطراف نظریات عمومی
را در باره آئی اورنگ مویز توتون
دیگر میکنیم و نیز پادلی سرخراز
های ایشای مردم کروس را میستایم
و زیرا و کجی را که تائیل عمومی روی
کار بیارود خیلی بهتر میتوان مورد
تکرار کرد تا این تا این پوزل با اول
بردم تبدیل کند و با آنکه ما با هم
نظر بر این عملی داریم مندرک است
به آئی اورنگ هم خیلی بدین
پایه زار و خوری که گفتگان اطلاع
حاصل کرده ایم آئی اورنگ و سنگان
کروس ایشای اول مویز که داده اند که
و کول خوبی برای کروس خوانده بود
ما هم به استاد حسین افغان و ش: از
همه احترام برای آن کثرت اعلی محترم
کروس در این تشریح شده و انتظار
والی داریم که نتیجه خوبی از احضان
و کوشش خود بگیریم.

ما لازم میماند یک نکته و اینه
اورنگ که بنا بر آن اشاره میکنیم
نگذاریم و از اینست که آئی اورنگ
امروز پایه کروس را هم از کروس دور
انتخاب آئی ملاری پشته است. کروس
امروز مردان و جوانانی حساس و جید
ایم و درس خوانده دارد که هر کدام
با دقیق ترین نظری به ایشای و کول خود
نظارت خوانند کرد. مویز کروس
فر از ایضات و کوششها خود بازند
توانسته است جوانانی در جامه برعه
رشد و سو برانند که یک ناظر اعلی
و خاصی با ودادی در برابر حال
و کلان آنها هسته. بی عملی امروز
که رای عمومی و تائیل دولت آئی
اورنگ به و اربکه و کالت کروس
می باشد ایشان هم باید خود را به
خندنگار و ایشای کروس بداند در این
صورت مورد تائیل نام کروس ای
ملیم کروس و با عیله خوانند بود
غیر اینصورت غیر.

در این بحث جادار که باید کرد
و اثرات و نکات است. حسن نظر
آلایه کثرت اردن و بیست و نه
افراز تشکر کرده و از اینکه به صحنه
روزنامه خود را در اختیار کروس نهاده
و با حرارت قلم با پند تائیل قومی
و نژاد و کوششها در حق برورد
تائیل کروس ایضاح کروس بسیار
زرگترین مکتب آئی د کور باید کرد
فراموش نشد در اصل ارتباط عمومی
و ایشای کروس وسته و تائیل نگارند که
تیرات آئی آن دو با هم بیست و نه
منطقه کروسین ابرافار اول برولیم
بیشتر در صحنه است.
در خانه بحث از مزاج برادران
عزیز و ارجمند و مردان خرف و با

ساده و آبانان عظام و بسورگوار
کروس که با ارسالی نسل و معارف
تکلیف و مقل و رفیع نعت و زبیری
جایزه آزادی و مقالات نوروزی
کروستان مورد تکرار تائید نوروزی
اند مسیانه با سگاری رای خدیصر
و حجت و اقبال هنر با بیوشن ایشای
از خدا خوانند و از ذات ایشای
آرزومند خدمات بزرگتر و بهتری
کروس و کروسبیا میباش.

پلم آقای محمد مردوخ آقا اده کوهستانی

کرد و کردستان

-۸۲-

سلطنت ایران هم پیش از این تاب و ندادن بازی ملت جاهل و نادان. سرپا عرض میکنم تا ملت ایران بیاد نشوند و از روی علم و معرفت مشروطیت پیوسته و خود خود برین فایده مشروطه طلبان دنیا را هم بدنام و لکنه دار ساخته.

سیاستی که امروز فایده این ملت را بیهین است که حاضر کسی گوید:

اگر سلطان فرماید ریاست زنده هرنا کسی لاف سیاست بلایم بود زنده روی زمین را نه دنیا را بدست نه دین را چنانچه چشم خود دیدیم و برافز این مشاهده کردیم اختیار ملت را بدست ملت دادان داده هران حکایت بیخ دادن بود و تف زدن مست خواهد بود ما نباید که ملت کردستان بعدی رسا که خود سرسراورمانه کنان دول مجاور هم به خود کتیب می رسد ما همل و نیز فایده نیست مشروطیت

نوسیم و مواج میکنم. ایران هنوز استنداد اینوش دارورا پیدا نکرده است ما هنوز بی لادایم و امور زنگانی در تحت نسیم و سرپرستی دولت پایه اداره نشود. اگر هم برای تری و سعادت مشروطه لازم باشد باید خود دولت زمام امور را دست گرفته در احسان سلطنت جاری نماید که پیش از این هر از خودی و بیگانه سراسرک و هراسان کردیم. رای ما همین است و س هر این از این رای دیگری نداریم.

پس از این که لایحه را در مجلس تهیه کردیم. منتهی آموده خاطر برنا ملحق شد خرویدیم. منیع نزدیک شهر ساجهر اعدادی کتیبه مشهوره گریل و روز خودیامده است. در روز ۱۰ ساعت ۳۰ فروریامده بود آقایان علماء بتول صاحب خج آموه از آن جا با لاقان با کتیبی که در هورگه چاپ است شاه سر کتیب کردیم متجاوز از پنجاه کاتب و در هورگه پشته سراج شیخ بصرکت روز آموه در باغ آباد پشته هم جایور بودگی که کتیبایش پشته هزار نفر جمیت داشته باشد. پراست ما خود بودیم هر سطلی که شیخ جلوس ستمه در پیوستی دولت از کشیم سراج و با بدین متعلقه هم هر عواما آمده هر طبقه و جاوهل جری من نشسته بودند. چ چیزی کشفیات حاضر که موبدالاول (لایحه میورا) با یک پشته خدمت است (کوهستان) با یک پشته در روی دستش بود

له کوی ی نهی شادمانی؟

له کوی نهی شادمانی نهی هیوای به روی زبانی ده له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی ده

له ایکنامه تا چاوبز نه کاکول که نوتی هه فدایی له ناره نهی گولا چه نه د لویری پر ریشوه و سمانی پیژم و وزمه و زور و کسه له لوبده مست و شه پدایی که نه و زروام دلومه ره به نه شه ی تیا به پانایی

له کوی نهی شادمانی نهی هیوای به روی زبانی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

که یاز وانه گومه گیزوه خوم زوری به خوم با نام لیلی با ما به یته نه دنیا به جامی می له دل لایم . له کتیا که واسه ره مستی نوتی به و مایی با نام . کچی زوری دلمه رباتی نهی ؛ بوکوی و ممانا نام

نه کوی نهی شادمانی نهی هیوای به روی زبانی دل له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی دل

له لای من واره تانیته واهی لی نه گیم جاری له سیدی دویله ران به یته مانه به شاه ی نازی له پاره نام به دلمه ره به ده له در کردی خاری به لایم گور به به خیار به جت هادمانیته دینه آزاری

له کوی نهی نهی ختیار نهی تری ده و افه و روی زبانی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له لای من به خیارش سو به ناور هتکی آزادی له هه نهی ده له کوی کچی به دیشتی و پیدایی له پیچته و ره هتکی آزادی پر و شادی له ده سه پستی زمام زوری بیگانه له پدای

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

له کوی نهی روی آزادی نهی توی نوری ولاتی من له کوی نهی نهی تانه نهی ستریمی به پانی گامه وانی من

(اچراه مشروطیت نیمه تیر بودن) و ام پاسم و لقب سمرنی کردم و در خانه گفتم چه دعا کردی ذات اقدس جانمایی منبتی ما هانی مسدود از روی بقیده مدعی شاه پرست منبتی برام بادشاه از اول الامر میدانم . حاج شیخ تکی با سلی منبها بادهای ما واجب الاطاعه میداند مسا هم در این تست با بیان تاسی کرده ام . ایام طبعه السلام هم از تسبیح این عقیده بود - حاج شیخ اجازه مرخص گرفت و آمد به مرخص شدیم فرمود تا در تهران منبتی منبتی دادم شاه با ملاقات کم فرادوساعت بزور باهانه سعادت حضرت علی مرتضی احدی نان مشیر السلطنه از طرف الاطیقت ما هانی از بی منبتی منزل تشریف آوردند و هم پس از آنکه مراسم منوب صورت منبتی خود را توفیق یافتند باهانه خود در رفتن به منزل توفیق پیشتختند باهانه مبلغ یاسد تومان اسکناس را تسوی باکت گذاشته بخوان شرح از شاهان برای ما فرستاد آقای حاج میرزا اهدای وجسی از اسکناس حاج شیخ تشریف دادند تصور کرده که بیول می کنیم ما یکس تصور ایشان برهات اطهرامات شیخ همدا اسکناس را توفیق باکت گذاشته و هر کسی بیخون زید و جواب سعادت توفیق هر ضرفی صواب کتیرا من یاسد تومان مرخصی که بخوان شرح اهدای خانه برای تیریکه منزل آوردند بودند رسید بر مرارت تشکر در دعا کردی

اچراه مشروطیت نیمه تیر بودن) و ام پاسم و لقب سمرنی کردم و در خانه گفتم چه دعا کردی ذات اقدس جانمایی منبتی ما هانی مسدود از روی بقیده مدعی شاه پرست منبتی برام بادشاه از اول الامر میدانم . حاج شیخ تکی با سلی منبها بادهای ما واجب الاطاعه میداند مسا هم در این تست با بیان تاسی کرده ام . ایام طبعه السلام هم از تسبیح این عقیده بود - حاج شیخ اجازه مرخص گرفت و آمد به مرخص شدیم فرمود تا در تهران منبتی منبتی دادم شاه با ملاقات کم فرادوساعت بزور باهانه سعادت حضرت علی مرتضی احدی نان مشیر السلطنه از طرف الاطیقت ما هانی از بی منبتی منزل تشریف آوردند و هم پس از آنکه مراسم منوب صورت منبتی خود را توفیق یافتند باهانه خود در رفتن به منزل توفیق پیشتختند باهانه مبلغ یاسد تومان اسکناس را تسوی باکت گذاشته بخوان شرح از شاهان برای ما فرستاد آقای حاج میرزا اهدای وجسی از اسکناس حاج شیخ تشریف دادند تصور کرده که بیول می کنیم ما یکس تصور ایشان برهات اطهرامات شیخ همدا اسکناس را توفیق باکت گذاشته و هر کسی بیخون زید و جواب سعادت توفیق هر ضرفی صواب کتیرا من یاسد تومان مرخصی که بخوان شرح اهدای خانه برای تیریکه منزل آوردند بودند رسید بر مرارت تشکر در دعا کردی

آنانها خج الاطاعه شیخ الشایخ

بارها گفته ام و بار دیگر میگویم

چند ابراهیم نخست وزیر مستعمر جنب و زدن در ارامی مجلس شورای ملی دماستان وزیر برنامه ریزی هرسران مستعد وزارت متعصب حمله کوهستان بشماره گنجانان کلبیای کامیاران و دادارای کامیاران

پرواض است که مایه تفلز و هرات شربت و عالم اسانیت براسر عوام موجودات بر هشتی کانات قلط و بقلط و عایب مزایای اخوت مساوات و حفظ سلسله عدالت و رعایت حسیاست و سرمایه پیشقوری و بازار گانی کلاهای مفرده در بازار صدقات بااستخسار سطح نفاق و اوصال و عدم مصلحت اغراض ذاتی و اغراض اشخاص است معلوم است هر کسی در این مقام نیامی کرد و نمی پیش نایف مقامی راظمی و ریاست و مدعی در یافت ولی الترتیز

مقصود از وضع آیین توزیع سهمیه ایام و هکته تصدیه سایر نفقات نمودن انصاف اقتصادی است نسبت اجتناع مادی و جزئی از استکبان مدهای گذشته است. معاش حکام و استکبان رفیع و دماغ غلبه پستی از متکبران و رومع مایه مبرکگی و توت مایه مآگمتی است که بااراضه سب استکام انکساریات و ارام و مایه قضایت و ارام بر طرفی تری و تنی ذلت و دیوت و ادبیته تری و تالی مفاسد خلق مأمول و برهنگس متفردی از اکثرین است مذکور که از متفردی خود مأمور میوسان و روه مادی و اطلاق نظری مادی خود مأمور بودند باینسان به هکته کارندی نظام عدالت خدمت رسانده بیک نام سطر شرافت نظام مماله بودیک پیام (سالار باانتبار اختر حاله) براسر بدهای درونی و روری (بروری) خدمت سرت سرفرا سپیه و امانتوظام و سراسر و فائزوی ثبت کرداروشین ماما دزدیان و دجار و کرتزار و همین نظام و اطوار را حرویش سرت و داد و بااختصار ستار احتکار خود نمود و بیامان مدهای متشابه ادامه داده و ایام مشتاق و ابراهیم شمسوری بوده اند. این موضوع را با نظری یکی دو نفر بداع این برده و مستات آسرا و بداع بدست یک نفر مطران بود و سبتنا کردار که از خلقت برتری و از خلقت شیفه حری است ذسکر و نکر تمام ایران و ایرانیان است قاطع استمستی که گنجان را کرداری داد معلوم ننمودن ابراهیم شد بر کامی توان یافت تا بپوره همت و مردانگی او خندان عمر بیخونجان بالا که نظرات شوایه بد نظر است بنظرمو شایش خویش با ستایش شوایه و در کوشش نامه شیب بیهمی است هر کسی را در نظرش غرضی است و در ذکرشگری و بااحسان هیچ مقنن آئینی و واضح و مفرغ عدلی و مطلق است و واضح تر شمس قساق شده مگر از لحاظ برتری فسردی از افراد ملی با بهترین توده از آن جنم که از توجه سربان غمناک در حمله و بدلیات شیب ارجازت تسیر بر تفتیب زیادتری حلال و سوسیه پتری گفته است

بدانشجویان کرد

اگر چه در ذیل مقاله گفتیم اتحادیه دانشجویان را در چندین نفر تکرمی مضموری داد بپولی در اوقات مادی متعدد و ملاقاتی چند مارا اولاد های که به توجه به کوشش کتب که هیچ یک از آنان علوم غلات موافق با باطلات را بیان نغوا هم کرد خود این چند نفر را بتکلیف و مایه مصلحت برودمان که چاره دردهای بی درمان ما اتحاد و صمیمیت است این اتحاد و اتفاقان حاصل کرد که لازمه بلای نومی است این استکام و با بار بودن یک جمعیت است و از واجبات اولی است تا این اصل فراهم و مراعات نشود و بیشتر هرگونه اقدام اجناسی مشکل پیشتر میسر

چندی قبل خبر تشکیل اتحادیه ای از دانشجویان کرد را به یاد مانده تا بنیده شوایان خرسنی کرد بپولی را تشویق آنان نشستی از روزنامه کوهستان را با چند تراکم اخبار بااینبار آنان گذاشتیم ولی متأسفانه چاقا قان اتحادیه این اتحادیه باعث شده که جوانی به جوان برسد و انظر بی طرفی آن جوان در روزنامه کوهستان چاپ شده متعجب آیم جوابهای مکرر رسید که توابصه حضوری و آفابان که بیشران است و دوستگی و از آل مهان برادران چاپ نمودیم و در پایان مقاله آنان نوشتیم که دیگر در این موضوع مطلبی چاپ نخواهیم کرد

اگر چه ما تصدیق داریم که از همه دوستی را بیامان کرده ایم جواب های تکوین صحنه را که بنامه اتحادیه دانشجویان نوشته اند چاپ نشدیم ولی از لحاظ حفظ مصالح خود و دانشجویان که نظرهای خصوصی بر یک از افراد بیامان کردن این حق را برودمان در تخریب خود بیان خاطر مریختن بخشیم امید داریم آفابان هم به ناله جوانی اصل کلی که باید باخان میارزد کرد سعی نیاید بجای سینه در حاشیه بحث مطلب کوچک بی خود صمیمیت و یکسانی برقرار نیاید و بجای این همه ناله ها و شمسوری و با طعنه خود و دست زدن بی عرضه مطلب اساسی را مورد بحث قرار دهند و سعی نمایند انگار مردم را بر ستاین برودمان

این است نظر ما دیگر خود متعانه

محمول نوتون

بچه ازمنه؟ در پایان بکنند نسبتاً و خیر خواهد بود و هر قدر بکنند خیر نشان داد رفتنار آری بطوریکه علم نشان داد و نفعنا مومنین غنایات کردستان و بلاصی و این سطر مدعی آن که پاراوت وظیفه و ادائیگی گروهی از دانشجو در سرتعجیل بیزانده برابر استخوان قبل و امهورای کشاورزان و جران کسرت کرید زیرا تنها کشاورز است که بیش از بامای مرفورده تانس است و خوب و بد او را می دانم و خوب و بد او در سرتعجیل نیاز دارد و پاداشی خوبی مامور و ازودان نیست که از زیاد کردن محصول و کثیر بی مامور و نترل بهار ازین بردن محصول و عدم مراقبت به آن میماند

برای نمونه

یک مشترک بد حساب و حده داده بودید که در این شماره نام مشترک کثیرا که تا بحال به افکار مستعدانند چاپ کنیم چون نویسنده روزی از آن سال روزنامه متوجه چاپ و صورت اسامی بدحسابان را به آخرین شماره استند مگوگر کرد بپولی برای نمونه یک مشترک بد حساب از ذیلا معرفی میکنم

فرحگروس - حساب ابراهیم رحمت کشاورزی کروس یکی از کسانی که همیشه شسته کوهستان سرتیاز روزنامه بران روزنامه شده و ایشان ضمن بنامه انبار سرت انتشار روزنامه کرده و دستهای ارمال بوده اند پس از اینکه تاسامی گذشت روزنامه بابت دقت تهاست مامم در ارسال روزنامه سرباشان سرتاوه شده بکناد و بابت سرباشان کوهستان روزنامه از چند دستسازت بوده ام مادی روزنامه چاپ شده بودیم تا مرتب رسیده از این جهت معذورم اگر تا در مقالات روزنامه روزنامه بنظر ایشان رسیده و از بیان گفته شده مغرور ما دست و اینگونه ادبایی تا مرتب رسیده اینهم بنامه ترحمه است ولی با تمام این تقاضی املا می بایست بیه جهت شماره را که تصدیق کرده دریافت دقت مبرسفا

ایته از تاریخ که فری بازده ما رسیده از ارسال روزنامه ای بیاظه خود داری شده و بیانش خود نوشته شد خود را تا تاریخ که روزنامه دریافت داشته اند فرستند چون بی اثر دوه ماه است که از ایشان جوابی فرسیده ام طرفین بیکدیگر که آقای امیرالی رئیس کشاورزی گروس ۴۴۰ زبال بیول مارا خوردند و خورده اند خدا برسد بده ادرای که تا در پیش می باشد

برای توجه وزارت فرهنگ ازگروس

مقام وزارت فرهنگ دروغوش... کوهستان معترضاً اینجهان ادوای دافع آموزان و فریستان بپولی بیچار برحس جبرمانی آقای هدایت سلطان سرتاوه از موسی که ریاست حفظ این شهرستان شمسوری تصویب شده نهایت جد وجه نسبت به دریافت فرهنگ دوده شعفا قسنت از سرتاوه اش آوزان دیده دار کرده و با نتیجه بیشتر تالی مجوسی حاصل و عدم اهالی از خدمات علانده ای ایشان نسبت فرشته استخوان دارنده از طرفی با تمییز لیبی علت حدفا دانشسرای مقامی در میبار و دهنده ستاعت اینجهان ادامه تحصیل و در دانشسرای فیرستان دیگر سرتیاز مومر است و تاسامی و غایبه از آنجا تحصیل بهره مند نغوا شده سرباشان در منتظم شمسوری است تا نمین یک باب دانشسرای مدهای در سرباشان امیرالوزمان را براسم ادوای رشته امیرالوزمان

نگارگان از کردستان

شهرهای کسل کتور رونوشت و روزنامه مستتر کوهستان رونوشت (اطلاعات شماره ۱۳۷۱، ۲۵ خرداد) دریاوار خطاطها ایجاب هر اثر نعلبند سروران کسانگر وین کلاکتور باربار و اسر نکبان ستوان ۲ فتح‌الله و سرسبان ۳ مناشکی و پاسبان شهرو ۱۹ خربز نامورده شخاری واردنقده و پین‌وردن گان اظهارتفکر هاشمیه است اولیای امور اسیت پاشیان قدر دانی فرمایند از طرف یکده از پاراو حایج یازک بر سرش اسدانی کلانی هرز در دلهره صمد جندر کلانی پرایم پاتک سرشت هیاس چشمه سال سلیم حسین سید آتک مهدالی شامس زمان علی اکبر هیاس هیدال العالی اسدی همدان هیات

برای اطلاع وزارت دارائی

آنرگرویس

وزارت دارائی رونوشت امان بازگاری رونوشت کوهستان انجمنان کبیه بیچار از لاضاً حرات وارده بر گرویس کسی شونده و اغلب سرمایه را فاند واجب امانه شده اند. بدینسان باین وضع اسف آفر دارائی هم چنان معالجه حق جواری کسرتن میکند. و برضت دارائی کبیه اجاب پرداخت مالیات لیکنه تاچه رسد به جواری تقاضا متدی امر به بخش جواز را محایلا به دارائی بر مایند که چسی کبیه داخل اعانه بر ندگان شونده موجب داگونی است.

حسین خوهری - صمد علی منصوروی
مختار اولی - هادی قائم - بهادر حسین
زکریا خیرالدین - دانیال یونس
الودعی - همدان جزایری - طایس
الیاس

فادستان کردستان هیولید

آقای مدیر روزنامه کوهستان

صفحه ۷ شماره ۷۷ و ندر کسرتن در صمد ۷ راجع به حاتم خان نندی باصفتار بمرسانه که برنده آن یکلامه ۸۷۶ - ۲ تفکیک و مشارای بنده یکسان زدهای محکوم گردیده و طی شماره ۹۶۸۱ مورخ ۱۳۷۱/۱/۲۴ و در امری کردستان مسدود جلب او برای ابراهیم دادنامه داده و چون اقامی شده شماره ۹۶۸۱ مورخ ۱۳۷۱/۱/۲۴ مورخ ۱۳۷۱/۲/۲۱ و ۲۵ مورخ ۱۳۷۱/۲/۲۱ تألیف گردیده و هنوز جلب و تحویل نگردیده البته پس از جلب و تحویل مشارای به دادسرا دستور ابراهیم دادنامه داد بر اینکه با مشارای یکسان زدهای خود داده خواهد شد. دادستان شهرستار کردستان - صمد سجادی

از دیوالفرو

آقای ابراهیم ذابیر صاحبدار هبه غله دیوار در عرض نوشته اظهار میدارد که مدت چهار سال است استخدام و هر امر از طرف اداره غله برای تبدیل ضوابط و سراروی مزایای قانونی اقدام شده نتیجه بدست نیامده و در پایان قضایای مختلف توجه اداره کل غله و نان ن داده اند.

دنیای ایران

پته از صصه ۲
گفته و لو
رئیس جمهور مورچه پلجان میروند. فرمانده نظامی انگلیس و فرانسه تخت و سیدگی سرین نظامی دولین اسد - برزیدت تورین از هم اکنون نامزد رئیس جمهوری آهسته آهسته قتیله المدطین به شورای امنیت و رجوع شده. کفراس مسکو و مضایای قیره جها فیوغای نفت اختلافات سیاسی دول بزرگ مسدود نیست بکجا خواهد انجامید.

تفویض رئیس دارائی کردستان
برای که اطلاع میدهند آقای رکنی رئیس دارائی و اقتصاد کردستان بطهران اسناد شده بجای ایشان آقای لاس - ریاست دارائی و اقتصاد کردستان منصوب گردیده اند

یک اقدام دیگر وزارت بهداشتی

برای اینکه سانشان آزما بیکنگه بیار تا پنج صندج زودتر شروع شود از طرف جنب آسانی دکتر اقبال مسدود داده شده است که آقای اردشیر کاج بنوروا به کردستان عزیت سوده معالمانت لازمه را راجع به وضع انتصاب عمل سانشان و تهیه فقه و غیره بدل آورده تا هر چه زودتر سانشان شروع گردد.

کوهستان - اهدامانی که یکی بند از دیکری راجع به بهبود وضع بهداشتی کردستان و توجیهاتی که از طرف آقای دکتر اقبال وزیر معتمد بهداشتی عمل میاید شبان شکر و امتنان است و ما لازم میدانیم بار دیگر بوز ایشان تیت توجه ایشان امتنان نایم.

رودرئیس بهداشتی

از کردستان اطلاع میدهند که آقای دکتر تهلوسی به صندج وارد و مشغول کار شده اند بنسبیت ورود ایشان لازم است اطلاع ساکنین معتمد کردستان برسانیم که آقای دکتر تهلوسی یکی از پزشکان محرب و دستکار و علاقت باطلات میباشد. سابق خدمت ایشان در موسسات بهداشتی سپاهوروش و در خون تقهیر است و خصوصاً باکس مویخ فوق العاده اجمت دارد که ایشان در هرجا خدمت سوده اند سی داشته اند آنگاه یکی از خود بانی بگذارند و در هر جا بپارستان با مؤسسه ای در نتیجه فاعلت و علاقتش ایشان پیرو آمده است امیدواریم در این موقع که بکردستان ماضور شده اند که اثر یکی از خود ججا بگذارند و انتظار داریم مردم از هسکاری با ایشان فریخ نمایند.

تقریباً در روزهای سیاسی ۱۰ چهره سیمین پور میسر! با کمال احترام ۱۵ روال ۲ پزدرش زنده میسر! با کمال احترام ۲۰ روال ۲ چهره زنده میسر! با کمال احترام ۲۵ روال ۲ چهره زنده میسر!

آگهی

جمع جوار صندوق پس انداز ملی اسان به ۱۰ میلیون ریال افزایش داده شده و جایزه اول آن ۱۰۰۰۰۰۰ است

از ۲۰ اردیبه حساب برای خود و فرزندان خود خوش تیراز با بان اسان خلصه نکندید

اظهار امتنان اهالی کردستان

حضور حضرت حجت الاسلام آقای آینه فامرودخ رونوشت روزی هفت نام کوهستان اهالی این شهرستان از اینکه هیئت اهرامی مورد تقدیر ذات شاهانه و جناب اهراف آقای نصرتوزیر محبوب و امام شده بی نهایت سپاسگزارم. مراتب خالصانه عرض وفود خواهم راستیاً به پیشگاه مبارک ملک شاه عرض امیدوارم بی نهایت در پیشرفت امور فرهنگ پروری و مصالح این استان موفقیت حاصل فرماید.

تلگراف تسلیت

هریده کوهستان وسیله آن نامه گراس در گذشت مرحوم منسورویخ الساکین صاحب همدان هبهای ملک تزاروا به طبع عالی مقام منسورویخ باز ماندگان آن مرحوم تسلیت عرض میکنم

بازرگانی حسینیان در همدان

دفتر بازرگانی آقای سید حسینیان میانه ای تهران بیهان منتقل شده و در امری حسین خان ایضا بانه شروع بکار کرده است آقای سید حسینیان که از بازرگانان مجیب اللیل کرد میباشد در همدان برای انجام هرگونه مظارفات و مراجعات بازرگانی و حق السلکری حاضر میباشد

نمایشگاه هستغنی از قریب هیات شد

صاحبه صاحبزاده از شهر روز پنجشنبه ۲۲ اسفند ماه ۲۵ در تماشاخانه تهران

گوچولو موچولو

بانهراکه از بردست ترین هنر پیشگان تماشاخانه ایوان نادری میری - عبلی - غنی آتایان - بهرامی - معلا - دست ورز - اسدزاده پیش برده توسط سعید محسنی - قنبری بیط را تیاره تهیه فرمایند در قیمت بیط تخفیف کنی داده شده

لر ۵ ریال درجه اول ۳۰ ریال درجه دوم ۲۰ ریال محل فروش بیط - لاله زار منازده منسوروا - فنو نظریان خیابان اکیانان پشت وزارت فرهنگ دفتر چاپخانه مطهری

یادآوری

از مشترکین محترم تقاضا می شود قبل از پایان اسفند ماه وجوه اشتراك خود را ارسال فرمایند

کوهستان

پناهندگان

بارزانیان اگر ادای هستند
که بایران یعنی مهد پرورش اگران پناهنده
شده اند

در اخبار هفته پیش مطالبی خوانده میشه که حاکی از این بود و میشه باززانی ها در نواحی غربی میباد که اکثر محل اقامت آنان است رشایت بشی بیست.

عکاس این اخبار هم که موش در افکار عمومی تاثیر عالی نوده برض آرا ساده و هادی دستای نونوه ماچراچولی وغارت پداخته و شاید تلف مقامات دولتی باشد که از جریان حقین آن مستخبر باشند.

چند تن از اشرافش بی تهراف آمده و در لشکر دوم چندی اقامت کرده اند و در این مدت اقامت مذاکراتی با مقامات دولتی داشته اند که مناسله از آن اطلاعی کسب کنه.

تلف نظر از مذاکرات قبلیان و رشایت باززانیان بطور خلاصه این است که پس از یک سلسله تلف های دو شک عراق ایجاب که کسره ولی تیم دولت مران بایشنه بایران آمده اند اکنون پناهنده بدولت ایران شده اند دولت مران سران آنها را محکوم به اعدام نموده تا باین راه برکت آنان ببران امامت که مفوضی بدست یاقوتی مسدود است بشرا کبر و توطئه خودشه اعدام خوانده گردید.

بنابر این توقف در ایران و پناهنده شدن به کسره ولی مهد پرورش اگران بوده تنها راهی است که آنان برای نجات خود می مانند.

افراد باززانی که بدین ترتیب اکنون در خاک ایران پس می برنه از بیرون و مرد و خرد و بزرگ در حدود چهارده پانزده هزار نفرند.

اینان دزاتی و توتولی ندارند و مسلحی ندارند و نظام و احمالی ندارند ولی رشیده و محتاج بی دوزم زندگی هستند و تا جان دو چین دارنه باید تلاش کنند ثروت یاقوتی بدست بیاورنه.

چینیان باین کسبت برای ادامه سبات ناچار است میباشند و با سرسرای نظامی است وقتی که چنین چیزی در فاجعه ای مدتی توقف کرده هر قدر هم بی آزار و بریدار باشد مواجستی برای میبادلهاران خود فراهم می سازد و بطوریکه کتیم چون می توانسته بکسی اصلی خود برگردن ناچاره فاکتلیفی

بینه از صله
ولی این هفته ما بیکه ایجابه می تفراده شه زیرا اگراد این دور کثور کلا بطوق خود بی برده و سازمان های جدی مسلوب کسرد بسلامت هسای دامنه وار و مبارزه سرسخته اند همی دهه و هر قدر شت و لغار بیینه روح مبارزه آن ها توری تر و نامایست های آنان شکست نا بدتر تر خواهد گردید.

اما در ایران
در ایران کردها اقلیتی تشکیل بدیده اند در خانه خود هستند و حق دارنه از کسره حقوق اجتماعی مشکتی برخوردار کنه و اگر نا رشایتی های دارنه یک امر داخلی و مربوط بر برنامه دولت است و آنهم با یک بر برنامه اصلاحی از میان خواهد رفت.

ایران تجربه های کافی از کردستان دارد و یک میانه که زور جرایباده هم رشایت بد بهشی چیزی ایجابه نموده کرد.

رویه ای که دولت اکنون پیش گرفته که از درجرت اصلاح فرآید نتیجه آن تجربه های تلخ گذشته است.

ایران احتیاجی ندارد که برای نا امنی های خیالی که همین جن تحریرت عناصر رشایتی نظیر روس و موافقین های خصمی ندارد یک فراموشی عالی به کسک دودولت مجبور تشکیل شده و آنها را که دشمن کرده اند شه اند بر کرده های صریح خود حکمران سازد.

هوات ایران با کارگردن مامورین لایق و درستکار... بعضی برست و ایجابه یک اداره بازرسی بعضی اواسی کرد نشین می ترانه کردستان را آید و مردم آرا مداندند و برای همیشه ندا کارترین سرحد دارهای خود قرار دهه.

دولت های عراق و ترکیه که با اقلیت های کرد خود به وفاتاری و خشتن می کنند البته مثال بسندند که ایران را کردهای سارگولایت منجور آن ها غورفتاری نباید زیرا آن ها خوب متوجهند که اگر دولت با کرد خوب معامله کند آنها همیشه را رشیرشونده نظر به ما را تأیید میباشند.

فرماندهی و باهتالهای دول خارجی بنام حفاظتین با نام دیگر برای ایران معضرت کردستان ما را بخاطر نجات انداخت.

این بحث بسیار طولانی است. دلایل تری-فران رشو شده تجربه های فراوان نظر به ما را تأیید میباشند.

آگهی

اگر میفرماید لوابی خصوص و آگهی های ما در روزنامه چاپ خود به هزینه چاپ آرا ارسال فرمایید. فقط در صورتیکه با وارد رجوعا و چاپ خواهد رسید. تبیین هزینه چاپ لوابی خصوص با دفتر اداره روزنامه است. - ۱ -

چاپخانه مظاهری